

## بررسی رابطه ساختاری سلامت خانواده اصلی، طرحواره هیجانی، نظم‌دهی هیجان با رغبت به ازدواج در دانشجویان با نقش واسطه‌گری تمایز یافتگی خود

قادر نعیمی<sup>۱</sup>

فهیمه پیرسافی<sup>۲</sup>

مهدی عربزاده<sup>۳</sup>

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۰۷

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه ساختاری سلامت خانواده اصلی، طرحواره هیجانی، نظم‌دهی هیجان با رغبت به ازدواج در دانشجویان با نقش واسطه‌گری تمایز یافتگی خود بود. شرکت‌کنندگان پژوهش ۲۶۶ نفر از دانشجویان پسر دانشگاه خوارزمی بودند که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند و با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. پژوهش غیر آزمایشی از نوع همبستگی بود. ابزارهای پژوهش پرسشنامه رغبت‌سنج ازدواج، مقیاس سلامت خانواده اصلی، پرسشنامه تمایز یافتگی خود، مقیاس طرحواره هیجانی و مقیاس نظم‌دهی هیجان بود. نتایج تحلیل مسیر حاکی بود که داده‌های پژوهش با الگوی پیشنهادی برازش کامل دارد و تمایز یافتگی در رابطه بین سلامت خانواده اصلی و طرحواره هیجانی با رغبت به ازدواج نقش واسطه‌ای دارد. بنابراین توجه به نتایج و کاربری آنها در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج و مداخله‌های رشدی و درمانی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

**کلید واژه‌ها:** رغبت به ازدواج، تمایز یافتگی خود، سلامت خانواده اصلی، طرحواره هیجانی و نظم‌دهی هیجان.

[ghader.naimi@hotmail.com](mailto:ghader.naimi@hotmail.com)

[fpirsaghi@yahoo.com](mailto:fpirsaghi@yahoo.com)

[Mehdi\\_arabzadeh@hotmail.com](mailto:Mehdi_arabzadeh@hotmail.com)

۱ - نویسنده مسئول: دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی

۲ - دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی

۳ - استادیار دانشگاه خوارزمی

## مقدمه

ازدواج مهمترین قرارداد زندگی هر فرد و عامل تشکیل خانواده به شمار می‌رود و از بنیادهای تقریباً جهانشمول بشری است که هیچ بنیادی این چنین صمیمانه افراد بشر را تحت تأثیر قرار نداده است (احمدی، ۱۳۹۱). قدمت ازدواج به قدمت تاریخ است و از روزی که انسان وجود داشته، عشق و محبت، ازدواج و اختلافات زناشویی هم وجود داشته است. در واقع سلامت روانی انسان تا حد زیادی در گروی ازدواج خوب و موفق است (ثنایی، ۱۳۷۵؛ به نقل از نیکرو، ۱۳۹۱). ازدواج، موضوعی نیست که فقط به دو فرد مربوط باشد، بلکه به عنوان رویداد به خانواده و جامعه هم مربوط می‌شود. عناصر تشکیل دهنده ازدواج موفق، عشق، ارتباط خوب، تعهد، تفاهم، نگرانی، مراقبت از یکدیگر و باهم بودن است (نازار، فونسکا، گومیرو، کاناوارو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). ارتباط مؤثر، شرط لازم سلامت روانی و عاطفی، شادی و ثبات زناشویی است (ایسر، ییودا و اولادون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴)؛ موضوعی که نیازمند رشد فردی است (نازار و همکاران، ۲۰۱۱). ازدواج دارای اهداف متعددی است که از جمله مهمترین هدفهای آن می‌توان به آرامش و آسایش، تأمین نیازهای جنسی، بقای نسل، تکمیل و تکامل فردی و اجتماعی، سلامت و امنیت فردی و اجتماعی و سرانجام تأمین نیازهای روانی - اجتماعی در فرد را نام برد (زیدی و شورایدی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

تمایل و رغبت به ازدواج در دوران دانشجویی برای بسیاری از افراد دوران مناسبی است؛ چون فرد در دانشگاه با طیف عظیمی از جنس مخالف رو به روست که از نظر سنی، تحصیلی، فکری، علایق و انتظارات بیشتر با هم تناسب و هماهنگی دارند، در عین حال از دوران ناآمادگی جوانی فاصله می‌گیرد و کم کم به فضای رسمی جامعه و محیط کار نزدیک می‌شود. گذشته از مزایای این گونه ازدواج همچون آسان بودن فرایند ازدواج، نقش مؤثر در کاهش سن ازدواج، کاهش فاصله نسلی، جلوگیری از رفتارهای غیرمشروع در محیطهای دانشگاهی، آرامش ذهنی و روانی در اوج فرایندهای فیزیولوژیکی و روحی جوانان دانشجوی، افزایش انگیزه بین جوانان دانشجوی به منظور تحصیل و ورود جدی به زندگی و... ازدواجهای دانشجویی می‌تواند دارای برخی معضلات و نارساییهایی نیز باشد. شناخت دقیق ابعاد و عوامل مؤثر در رغبت به ازدواج ضرورتی مضاعف دارد؛ زیرا در فراهم کردن مسیر درست ازدواج و پیشگیری از ازدواج نامناسب مؤثر

1 - Nazare, B., Fonseca, A., Gameiro, S., & Canavarro, M. C.

2 - Esere, M. O., Yeyeodu, A., Oladun, C.

3 - Zaidi, A. U., & Shuraydi, M. S.

خواهد بود.

بنابراین ازدواج در مقایسه با سایر ارتباطات انسانی دامنه‌ای وسیع و گسترده‌تر دارد و دارای ابعاد زیستی، اقتصادی، عاطفی، روانی و اجتماعی است (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۳). ازدواج فرایندی چند وجهی است که مستلزم آمادگی روانی - عاطفی، اقتصادی، خانوادگی و تناسب فرهنگی اجتماعی است (بهاری، ۱۳۹۱). در این زمینه سلامت خانواده اصلی به عنوان عامل مؤثر بر شخصیت فرد و چگونگی برقراری ارتباطات انسانی و نیز طرحواره هیجانی، نظم جویی هیجان و سطح تمایز یافتگی افراد به عنوان عوامل عاطفی و روانی می‌تواند در ارتباط با رغبت افراد به ازدواج مورد بررسی قرار گیرد.

سلامت محیط خانواده اصلی و محتوای یادگیریهای اولیه، نقش و اهمیت زیادی در تشکیل هویت و شخصیت افراد دارد. تجربه افراد در خانواده اصلی، شکل دهنده رفتارها و روابط بین فردی است. مطالعات والرش‌تاین و بلکسلی<sup>۱</sup> (۱۹۸۹)، باربر و بوهرلر<sup>۲</sup> (۱۹۹۶)، کنگر، کویی، بریانت و الدر<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، میلر<sup>۴</sup> (۲۰۰۱)، میورارو و ترلیوس<sup>۵</sup> (۲۰۱۲)، حسینیان، یزدی و جاسبی (۱۳۸۶) و فرح بخش (۱۳۹۰)، حاکی است که متغیر خانواده اصلی، ویژگیهایی چون استقلال، صمیمیت، سازش و رضایتمندی و هم‌چنین نوع ارتباطات افراد را پیش‌بینی می‌کند. نظریه چند نسلی بوئن عنوان می‌کند که افراد، زیربنای رابطه بین فردی را در خانواده اصلی خود یاد می‌گیرند و مشکلات خانوادگی و زناشویی زوجها ادامه مشکلات رابطه‌ای خانواده اصلی آنها است. مشکلات خانواده اصلی مانند تعارضات بین فردی به معنای متفاوت و شدت بیشتر در روابط برون خانوادگی تسلی می‌یابد و باورها، نگرشها، رفتارها، عزت نفس و الگوهای تعاملی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محسن‌زاده، نظری و عارفی، ۲۰۱۰). بررسیها نشان می‌دهد که سلامت خانواده اصلی در کیفیت زندگی آینده فرزندان مؤثر است. ویسز<sup>۶</sup> (۲۰۱۴)، بیان می‌کند که خانواده اصلی در کیفیت و موفقیت زندگی زناشویی اثر پایداری دارد. پژوهشها بیانگر رابطه سلامت خانواده اصلی با رغبت به ازدواج و سازگاری زناشویی (مورارا و ترلیک<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲)

1 - Wallerstein & Blakeslee

2 - Barber & Buehler

3 - Conger, Cui, Bryant, Elder

4 - Miller

5 - Muraru, Turliuc

6 - Weiss, J. M.

7 - Muraru, A. A., & Turliuc, M. M.

صمیمیت و استقلال ادراک شده در زنان (جوزوفیک و ووچسک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) روابط رضایت بخش زناشویی (سانگ لی و وها اوک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲) و رضایت زناشویی زنان (فرحبخش، ۱۳۹۰) است. پژوهش مورارا و ترلیک (۲۰۱۲) نشان داد که مفاهیم درک شده افراد از خانواده اصلی، پیش بینی کننده الگوی دلبستگی عاشقانه است. ویسز (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای کیفی از تجربه و ویژگیهای فردی در ازدواج نشان داد که خانواده اصلی در کیفیت تصمیمات مربوط به ازدواج تأثیر پایداری دارد.

پژوهشها نشان می‌دهد از مواردی که به طور منطقی این ظرفیت را دارد که در مداخلات تشخیصی و درمانی بویژه در حوزه روابط زناشویی و ازدواج در نظر گرفته شود، طرحواره هیجانی<sup>۳</sup> و نظم‌دهی هیجان<sup>۴</sup> است (بارد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ سیجتی<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۵؛ نقل از اسماعیلی و همکاران؛ ۱۳۹۰). طرحواره‌های هیجانی بیانگر این است که ممکن است افراد در چگونگی مفهوم پردازی هیجان‌اتشان متفاوت باشند. این طرحواره‌ها منعکس کننده شیوه‌هایی است که افراد هیجان‌ات خود را تجربه می‌کنند. اینها، باورهایی است که افراد به محض برانگیخته شدن هیجان‌ات ناخوشایند در مورد طرح مناسب برای اقدام در ذهن دارند (سیلور<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). طرحواره‌های هیجانی در رابطه زناشویی و ازدواج مهم است و بر ماهیت و کارکرد رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد؛ چرا که توانایی شناسایی هیجانها و ابراز آنها در ایجاد و حفظ رابطه رضایتبخش با همسر و هم‌چنین توانایی فهم و پذیرش هیجانهای شریک مقابل نقش بسزایی دارد (کارتون، کسلر و پیپ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹؛ شافر و اولسون<sup>۹</sup>، ۱۹۸۱ به نقل از درعلی و سهرابی، ۱۳۹۴). در واقع افزایش آگاهی و بینش افراد در مورد طرحواره‌های هیجانی خود و درک نقش آنها در ایجاد و حفظ موقعیت‌های مسئله‌آفرین می‌تواند کارساز باشد (پیرساقی، نظری، نعیمی و شفائی، ۱۳۹۴). طرحواره‌ها سازه‌هایی است که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل می‌گیرد و به عنوان واسطه، پاسخهای افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از طرحواره‌ها بویژه آنها که عمدتاً در نتیجه تجربه ناگوار دوران کودکی

- 
- 1 - Jozefik, B., & Wojciech, P. M.
  - 2 - Seung, L. H., & Wha, O. S.
  - 3 - Emotional Scheme
  - 4 - Emotion Regulation
  - 5 - Bard b.
  - 6 - Cichetti & at el
  - 7 - Silver A.
  - 8 - Carton, J. S., Kessler, E. A., & Pape, C. L.
  - 9 - Schaefer, M. T., & Olson, D. H.

شکل می‌گیرد، ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیتی و مشکلات بین فردی باشد (لیهی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). پژوهش پیرساقی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که طرحواره هیجانی یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های قوی تعارض زناشویی است.

نظم دهی هیجان از جمله عوامل حائز اهمیت است که در ازدواج و روابط زوجین و نوع تعاملات آنها با یکدیگر تأثیرگذار است (احمدی، ۱۳۹۱). نظریه‌های جدید در قلمروی هیجان بر نقش مثبت و انطباقی هیجان تأکید دارد (توبی و کاسمیدز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰؛ فردریکسون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸) و نشان می‌دهد که هیجان می‌تواند نقش سازنده‌ای در حل مسئله و پردازش اطلاعات (پالفای و سالوی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳)، نوآوری و خلاقیت (گرین و نویک<sup>۵</sup>، ۱۹۸۸) و افزایش یادگیری (کاهیل<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۴) داشته باشد. نظم دهی هیجان را می‌توان به صورت فرایندهایی تعریف کرد که از طریق آن، افراد می‌توانند بر اینکه چه هیجانی داشته باشند، چه وقت آنها را داشته باشند و چگونه آنها را تجربه و ابراز کنند، تأثیر بگذارد (گراس<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸). در این رابطه تامپسون<sup>۸</sup> (۱۹۹۴) نیز معتقد است که نظم دهی هیجان به منزله فرایندهای درونی و بیرونی است که مسئولیت کنترل، ارزیابی و تعبیر واکنش‌های عاطفی فرد را در مسیر تحقق یافتن اهداف او بر عهده دارد. بررسی متون و مطالعات روانشناختی، نشان می‌دهد که نظم دهی هیجان، عامل مهمی در تعیین سلامت و داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی است (سیجنتی و همکاران، ۱۹۹۵؛ نقل از اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۰). نظم دهی هیجان به عنوان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل و یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرایندهای اجتماعی-روانی، فیزیکی در انجام رساندن اهداف فرد تعریف می‌شود (ویمز و پینا<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰). حیدری و اقبال (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین دشواری نظم دهی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی پرداختند که نتایج این پژوهش حاکی از رابطه منفی بین دشواری در نظم‌دهی و سبک دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی زوجین است. هم‌چنین نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت بین سبک دلبستگی ایمن و صمیمیت

- 
- 1 - Leahy R. L.
  - 2 - Toby & Cosmides
  - 3 - Fredrickson
  - 4 - Palfai & Salovey
  - 5 - Green & Noice
  - 6 - Cahill, S.D; Smith, C.L; Gill, K.L & Johnson MC
  - 7 - Gross
  - 8 - Thompson, R. A.
  - 9 - Vimz & Pina

با رضایت زناشویی می‌باشد. لاوی و بن آری<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) به بررسی ارتباط میان ابراز هیجان و روان رنجورخویی با کیفیت روابط زناشویی پرداختند. اطلاعات از ۱۹۷ زوج جمع‌آوری شد. زنها نسبت به شوهران عملکرد بیشتری در ابراز هیجان دارند؛ اما هیچ یک از آنها در کیفیت روابط زناشویی مؤثر نبود. رضایت زنان از زندگی زناشویی با ابراز احساسات همسرانشان وابسته بود. ولی بر خلاف آن رضایت شوهرانشان به هیچ یک از ابراز احساسات خود یا همسر وابسته نبود. در پژوهشی یلسما و شریلان<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)؛ به نقل از مهنی، تیموری و رحیمی، (۱۳۹۲) دشواری در نظم‌دهی هیجانی و رضایت زناشویی را در ۶۶ زوج مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که هم در زنان و هم در مردان، دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی رابطه منفی داشت. دانهام (۲۰۰۸)؛ به نقل از محمدی، فرنام و محبوبی، (۱۳۹۰) در تحقیق خود به مطالعه دشواری در نظم‌دهی هیجان و تأثیر آن بر رضایت زناشویی و فرایند صمیمیت بر روی امریکایی‌های آفریقایی تبار پرداخت.

از جمله مواردی که به طور وسیعی از پویایی‌ها و تعاملات بین اعضای خانواده تأثیر می‌پذیرد، تمایز یافتگی خود است. تمایز یافتگی خود "توانایی شخص در حفظ فردیت و استقلال" خود "در روابط صمیمانه با دیگران و همچنین بیانگر توانایی در ایجاد تعادل بین عقل و هیجان است (بوئن<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸ و کر و بوئن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸؛ به نقل از پیرساقی، ۱۳۹۱)؛ به عبارت دیگر تمایز یافتگی را در دو سطح می‌توان بررسی کرد: یکی به عنوان فرایندی که درون فرد رخ می‌دهد که شامل عوامل جایگاه من و واکنش‌پذیری هیجانی است و دیگری به عنوان فرایندی که در روابط بین افراد به وقوع می‌پیوندد که شامل عوامل هم‌آمیختگی با دیگران و برش هیجانی است. جایگاه من به معنای حس روشنی از "خود" و داشتن استقلال در افکار و باورهاست (میزر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱) و واکنش‌پذیری هیجانی به غلبه احساسات فرد بر عقل و منطقتش و پاسخگویی بر پایه هیجانات اشاره دارد (بوئن، ۱۹۷۸؛ کر و بوئن، ۱۹۸۸؛ به نقل از پیرساقی، ۱۳۹۱). در سطح بین فردی، هم‌آمیختگی با دیگران به از دست دادن استقلال "خود" و انحلال و هم‌آمیختگی طی روابط صمیمانه با دیگران و بویژه افراد مهم زندگی اشاره دارد (میزر، ۲۰۱۱). تمایز خود در تعامل با

1 - Ben-Ari A, Lavee Y.

2 - Yelsma P, & Sherilyn M

3 - Bowen, M.

4 - Kerr, M. E. & Bowen, M.

5 - Maser, M. J.

انواع مختلفی از سازه‌ها است. در زمینه پیامدهای تمایز یافتگی خود، فرض بوئن (۱۹۷۸) و کر و بوئن، ۱۹۸۸؛ به نقل از لطیفیان و فخاری، ۱۳۹۳) بر این است که سطوح بالاتر تمایز یافتگی خود با پیامدهایی همچون سطوح بالاتر عملکرد کلی، روانی و فیزیولوژیکی در ارتباط است و افراد تمایز یافته از سلامت روانی بیشتری برخوردارند. بوئن (۱۹۷۶؛ به نقل از آکرس - وودی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) عقیده دارد که افراد با الگوهای سبک زندگی و سطح خودتمایز سازی وارد ازدواج می‌شوند که در خانواده اصلیشان ایجاد شده است.

نتایج مطالعات متعددی که برای کشف و حمایت کردن از ساختار "تمایز یافتگی خود" انجام شده، مؤید و منطبق با نظریه بوئن است. شواهد تجربی به طور گسترده از تأثیر سطح تمایز خود بر ابعاد سلامت روان و نشانگان اختلالات روانی سخن به میان آورده، و تمایز یافتگی خود را عامل مهمی در ارتقای سلامت روان دانسته‌اند (هوپر و دیپوی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ چانگ و گال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶، ویلیامسون، سندبیچ و لی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ اسکورون، وستر و آزن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ جانسون و بابلتر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰). هم‌چنین به نظر می‌رسد که نوع و میزان تمایز یافتگی بر رغبت به ازدواج تأثیر دارد. در واقع، می‌توان چنین فرض کرد که افرادی که به خانواده‌های تمایز نیافته متعلق‌اند به احتمال بیشتری درگیر ازدواج‌هایی می‌شوند که آنها نیز تمایز نیافته‌اند و دارای بدکارکردی بیشتری نیز هست (پیرساقی، ۱۳۹۱). هم‌چنین این امر محتمل است افرادی که به صورت ضعیفی تمایز یافته‌اند در نتیجه رشد در خانواده تمایز نیافته با احتمال بیشتری دارای نگرش‌های ویژه نسبت به ازدواج هستند که این نگرش‌ها در ادامه، موفقیت در ازدواج آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شاید به بدکارکردی آن منجر گردد (آکرس - وودی، ۲۰۰۳؛ بنابراین افراد تمایز نیافته به ازدواج‌های تمایز نیافته گرایش دارند. کر و بوئن (۱۹۸۸؛ لطیفیان و فخاری، ۱۳۹۳) در مطالعات تجربی خود نشان دادند که استقلال در سازه‌هایی از قبیل خودتمایز یافتگی با دیدگاه خوشبینانه و رفاه روانی زوج در ارتباط است. اسکورون و دندی<sup>۷</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان دادند که سطح بالای خودتمایز یافتگی، پیش‌بینی‌کننده سطح بالاتر کنترل موفق و سازگاری زناشویی بیشتر است.

- 
- 1 - Akers-Woody, M
  - 2 - Hooper, L. M. & DePuy, V.
  - 3 - Chung, H. & Gale, H.
  - 4 - Williamson, I. Sandage, S. J. & Lee, R. M.
  - 5 - Skowron, E. A. Wester, S. R. & Azen, R.
  - 6 - Johnson, P. & Buboltz Jr, W. C.
  - 7 - Skowron E. A. & Dendy, A. K .

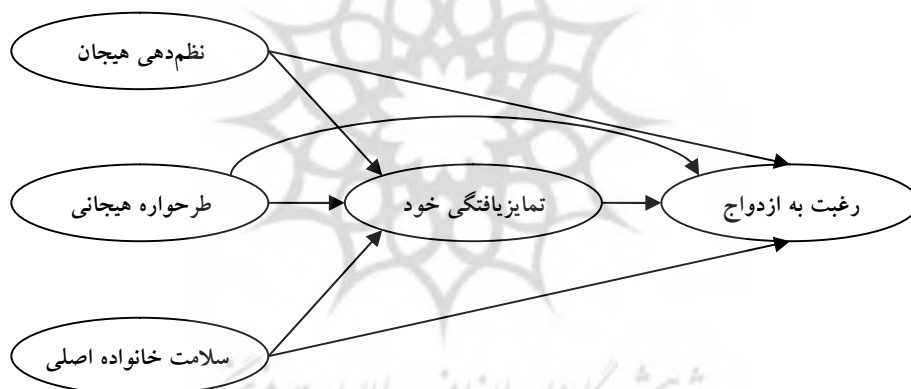
پژوهشها نیز حاکی از تأثیر خانواده بر سطح تمایزیافتگی خود در فرزندان است؛ به طور مثال تحقیقات نشان می‌دهد عملکرد خانواده و تغییر در خانواده از جمله طلاق والدین (جانسون، تورنگرن و اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) وجود اختلالات رفتاری و مصرف بی حساب الکل در خانواده (ماینارد<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷) و شیوه‌های فرزندپروری که والدین انتخاب می‌کنند (شوارتز، تیگپن و مونتگومری<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶) بر سطح تمایزیافتگی فرزندان تأثیر شگرفی دارد. اسکورون و فریدلندر<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) در پژوهشی نشان دادند، افرادی که خودتمایزیافتگی بیشتری دارند، به گونه‌ای چشمگیر در پیوند زناشویی رضایت بیشتری تجربه می‌کنند. اسکورون (۲۰۰۰) در پژوهشی نشان داد که ابعاد خودتمایزیافتگی پیش‌بینی‌کننده اختلاف زناشویی است. لطیفیان و فخاری (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان نقش میانجی‌گری تمایزیافتگی خود در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان نشان دادند که تمایزیافتگی خود در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان، نقش واسطه‌ای کاملی را ایفا می‌کند. جهان‌بخشی و کلاتر کوشه (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان رابطه ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی با رغبت به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه نشان دادند که تمایزیافتگی و عوامل آن در رغبت به ازدواج دانشجویان نقش موثری دارد. اسکارون، استانلی و شاپیرو<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)، به نقل از جمشیدی و سروقد، (۱۳۹۴) در نمونه‌ای از دانشجویان پی بردند که سطوح بالای تمایزیافتگی خود رابطه منفی معناداری با مشکلات بین فردی و نشانه‌های روانشناختی دارد؛ یعنی افرادی که بیشتر واکنش‌های هیجانی نشان می‌دهند و قادر به نظم دهی هیجان نیستند، احساس خود کمتر واضحی در روابط دارند.

با توجه به اینکه عدم تمایزیافتگی شخص در روابط بین فردی ناسالم او با خانواده و اطرافیان‌شان ریشه دارد و تمایزیافتگی و ارتباطات بین اعضای خانواده بر سلامت روانشناختی افراد مؤثر است، هم‌چنین با نگاه به ساختار متغیر تمایزیافتگی خود که بیشتر به فرایند اشاره دارد تا هدف قابل دستیابی (گلدنبرگ و گلدنبرگ<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲)، می‌توان نتیجه گرفت که تمایزیافتگی خود می‌تواند در ارتباط بین ساختار سلامت خانواده اصلی، طرحواره هیجانی و نظم‌دهی هیجان

- 
- 1 - Johnson, P. Thorngren, J. M. & Smith, A, J.
  - 2 - Maynard, S.
  - 3 - Schwartz, J. P. Thigpen, S. E. Montgomery, J. K.
  - 4 - Skowron, E., & Friedlander, M.
  - 5 - Skowron, E. A & Stanley & Shapiro
  - 6 - Goldenberg, H., & Goldenberg, I.



(به عنوان پیشابند تمایز یافتگی) و رغبت به ازدواج (به عنوان پیامد تمایز یافتگی) نقش واسطه‌ای داشته باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه ساختار سنی جمعیت کشور ما به سمت افزایش سن ازدواج می‌رود، این اوضاع زنگ خطر است که توسط کارشناسان و مسئولان نیز هشدار داده شده است؛ لذا یکی از سیاستهای کلان کشور در موقعیت فعلی، تشویق و ترغیب جوانان به ازدواج بموقع است. بنابراین بررسی بموقع و همه جانبه رغبت به ازدواج، می‌تواند اولین گام در جهت آسیب‌زدایی و بهبود وضعیت موجود باشد. بر همین اساس هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی خود به عنوان متغیر تأثیرگذار در رابطه بین رغبت به ازدواج، سلامت خانواده اصلی، طرحواره هیجانی، نظم‌دهی هیجان و هم‌چنین برای غنای دستاوردهای پژوهشی در این حوزه، بررسی آنها در قالب یک الگوی علی است. براساس این مبانی نظری الگوی پیشنهادی پژوهش به این شرح خواهد بود (شکل ۱):



شکل ۱: الگوی پیشنهادی پژوهش

### روش پژوهش

پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع همبستگی است. تمام دانشجویان پسر دانشگاه خوارزمی تهران کرج در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. برای سازگاری با الگوی معادلات ساختاری تعداد نمونه باید حداقل ۱۵ برابر (استیونس، ۱۹۹۴، به نقل از هومن، ۱۳۸۴) یا ۳۰ برابر تعداد متغیرها باشد (هومن، ۱۳۸۴)؛ بنابراین نمونه مورد بررسی ۲۶۶ نفر از دانشجویان پسر بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای

(دانشگاه، دانشکده‌ها، کلاسها) انتخاب شدند.

### ابزار اندازه گیری

پرسشنامه رغبت‌سنج ازدواج: نسخه دانشجویی (پرساد): این پرسشنامه توسط حیدری، مظاهری و پور اعتماد (۱۳۸۲) ساخته شده و دارای ۲۴ سؤال شامل ۲۳ سؤال ۵ گزینه‌ای و یک سؤال اضافی برای سن طلایی ازدواج است. این پرسشنامه بر روی ۷۷۹ نفر اجرا، و با استفاده از تحلیل عوامل و با روش چرخشی از نوع واریماکس، چهار عامل برای آن مشخص شد که این عوامل همگی از مقدار ویژه بیش از ۱ برخوردار بود. این چهار عامل عبارت است از ۱- بازخورد نسبت به ازدواج ۲- آمادگی و تمایل برای ازدواج ۳- نگرش نسبت به پیامدهای ازدواج ۴- موانع ازدواج. روایی محتوای آن توسط متخصصان تأیید، و اعتبار آن از طریق باز آزمایی ( $r=0/77$ ) و همسانی درونی آلفای کرونباخ  $0/92$  محاسبه شده است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۲). در پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل این پرسشنامه  $0/78$  محاسبه شد.

مقیاس سلامت خانواده اصلی (BFI): مقیاس خانواده اصلی توسط هاویستیدیت و همکاران (۱۹۹۲)، به نقل از عارفی، (۱۳۹۱) طراحی شده است. آزمون اصلی ۴۰ ماده دارد که دارای ده خرده مقیاس است که به طور کلی از دو بعد بین‌الاشخاص خود پیروی و صمیمیت تشکیل شده است. نمره کلی با جمع زدن نمره ۴۰ ماده بدست می‌آید. ریون و همکاران (۱۹۹۴) از آزمون اصلی، دو فرم موازی ۱۵ ماده‌ای درست کردند. از ۴۰ ماده ۱۰ تای آن در تحلیل عاملی کنار گذاشته شد. سازندگان آلفای کرونباخ  $0/95$  را برای فرم ۱ و  $0/94$  را برای فرم ۲ به دست آورده‌اند. هر دو فرم از میزان زیادی از همسانی درونی برخوردار است. همبستگی بین دو فرم ۱ و ۲ آزمون بسیار زیاد و معنادار است ( $p < 0/100$  و  $r = 0/94$ ) و در همان حال همبستگی زیاد معناداری با مقیاس اصلی آزمون ( $p < 0/001$  و  $r = 0/98$ ) داشته است. در ایران، جاسبی (۱۳۸۴) برای کل مقیاس ضریب آلفای  $0/94$  و برای ابعاد استقلال و صمیمیت به ترتیب  $0/90$  و  $0/89$  به دست آورده است. در این پژوهش از فرم کوتاه ۱۵ ماده‌ای آن، که توسط عارفی (۱۳۹۱) تهیه شد، استفاده شده است. در پژوهش عارفی (۱۳۹۱) نیز همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ میزان  $0/89$  به دست آورده است. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس  $0/90$  و برای خرده مقیاسهای استقلال و صمیمیت نیز به ترتیب  $0/89$  و  $0/85$  محاسبه شد.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI): این پرسشنامه، که به منظور سنجش میزان تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود، توسط اسکورون (۲۰۰۰) ساخته شده و دارای ۴۶ سؤال و از چهار خرده

مقیاس شامل «واکنش پذیری عاطفی»، «جایگاه من»، «گریز عاطفی» و «هم آمیختگی عاطفی با دیگران» تشکیل شده است. هر پرسش بر یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره گذاری می‌شود. روایی این پرسشنامه مورد تأیید متخصصان، و در پژوهش‌های اسکورن (۲۰۰۰)، اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) تأیید شده است. در پژوهش اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و پایایی خرده‌مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ محاسبه شد. در ایران نیز اسکیان (۱۳۸۴) پایایی کل آزمون را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد کرده است (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد.

مقیاس طرحواره هیجانی (ESS-P): پرسشنامه طرحواره‌های هیجانی در سال ۲۰۰۲ توسط لیهی بر مبنای الگوی طرحواره‌های هیجانی خود به صورت مقیاس خود گزارشی تهیه شده است. این مقیاس ۵۰ گویه دارد که با استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره گذاری می‌شود. این مقیاس شامل ۱۲ خرده مقیاس است (نشخوار ذهنی، گناه، ابراز احساسات، غیرقابل کنترل بودن، تأییدطلبی از دیگران، قابل درک بودن، سرزنش، تلاش برای منطقی بودن، دیدگاه ساده‌انگارانه نسبت به هیجانات، ارزشهای والاتر، پذیرش هیجانات، توافق). در ایران نیز نسخه فارسی این مقیاس توسط خانزاده، ادریسی، محمدخانی و سعیدیان (۱۳۹۲) تهیه شده است. نتایج بررسی نشان داد که پایایی این مقیاس از طریق روش بازآزمایی در فاصله دو هفته برای کل مقیاس ۰/۷۸ و برای زیرمقیاسها در دامنه بین ۰/۵۶ تا ۰/۷۱ است. هم‌چنین، ضریب همسانی درونی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ و برای زیرمقیاسها در دامنه‌ای از ۰/۵۹ تا ۰/۷۳ به دست آمد. به طور کلی نتایج هر دو روش حاکی از پایایی قابل قبول این مقیاس است (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ محاسبه شد.

مقیاس نظم دهی هیجان (ERQ): این پرسشنامه برای بررسی چگونگی نظم دهی و مدیریت زندگی هیجانی افراد توسط گروس و جان (۲۰۰۳) ساخته شده است. این پرسشنامه ۱۰ گویه‌ای با استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه دو خرده مقیاس دارد که عبارت است از فرونشانی (چهار گویه) و ارزیابی دوباره (گویه ۶). ضریب آلفای کرونباخ دو خرده مقیاس ارزیابی دوباره و فرونشانی به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۳ بود و ضریب پایایی بازآموزی سه ماهه ۰/۶۹ به دست آمد (گراس و جان، ۲۰۰۳). ضریب همسانی درونی این مقیاس در کارمندان

ایالتی و دانشجویان کاتولیک دانشگاه میلان برای ارزیابی دوباره در دامنه‌ای از ۰/۴۸ تا ۰/۶۸ و برای فرونشانی از ۰/۴۲ تا ۰/۶۳ به دست آمده است. ضرایب همبستگی ارزیابی دوباره با مقیاس عواطف مثبت (۰/۱۵-) و عواطف منفی (۰/۰۴) گزارش شده است (بالزوریتی، جان و گراس، ۲۰۱۰؛ به نقل از مشهدی، قاسم پور، اکبری، ایل بیگی و حسن زاده، ۱۳۹۲). این مقیاس در فرهنگ ایرانی هنجاریابی شده است. اعتبار مقیاس بر اساس روش همسانی درونی (با دامنه آلفای کرونباخ ۰/۶۰ تا ۰/۸۱) و روایی این پرسشنامه از طریق تحلیل عامل اصلی با استفاده از چرخش واریماکس و همبستگی بین دو خرده مقیاس ( $r=0/13$ ) و روایی ملاکی مطلوب گزارش شده است (مشهدی و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۷۹ محاسبه شد.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از شاخصهای آمار توصیفی (نظیر میانگین و انحراف معیار) و روشهای آماری استنباطی نظیر الگویابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار «LISREL»<sup>۱</sup> استفاده شد.

## یافته‌ها

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

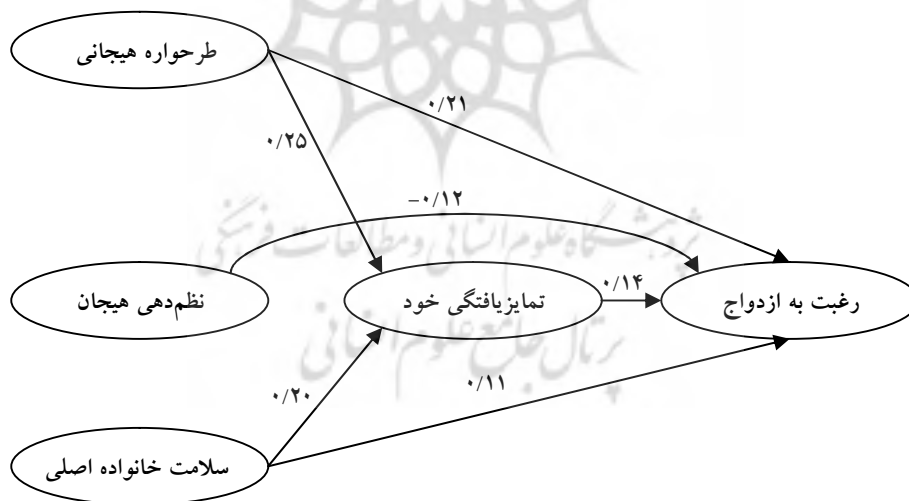
متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
۱ طرحواره هیجانی	۱۰۱/۶۷	۷/۷۱	۱				
۲ نظم دهی هیجانی	۲۷/۲۲	۳/۹۶	۰/۰۹	۱			
۳ سلامت خانواده	۵۱/۰۱	۹/۵۱	۰/۰۶	۰/۱۲*	۱		
۴ تمایزیافتگی خود	۱۴۹/۳۵	۱۳/۵۹	۰/۲۵**	۰/۱۱*	۰/۲۰**	۱	
۵ رغبت به ازدواج	۷۸/۵۸	۹/۴۹	۰/۲۱*	-۰/۰۸	۰/۱۱*	۰/۲۴**	۱

\* $P < 0/05$       \*\* $P < 0/01$

جدول ۱ نتایج مربوط به میانگین و انحراف معیار و ضریب همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد. بین نمره رغبت به ازدواج با نمره طرحواره هیجانی، سلامت خانواده و تمایزیافتگی خود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سایر روابط در جدول مشاهده می‌شود.

از آنجا که عادی و خطی بودن متغیرهای پژوهش از پیشفرضهای اصلی تحلیل مسیر است، قبل از اجرای آزمون رگرسیون، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (طرحواره هیجانی  $Z=0/948$ ،  $P=0/33$ ، نظم دهی هیجان  $Z=1/27$ ،  $P=0/06$ ، سلامت خانواده اصلی  $Z=1/28$ ،  $P=0/07$ )، تمایزیافتگی خود  $Z=0/808$ ،  $P=0/53$ ، رغبت به ازدواج  $Z=0/767$ ،  $P=0/598$ ) برای بررسی عادی بودن داده‌ها و از آزمون تحلیل واریانس (خطی بودن تمایزیافتگی خود با رغبت  $F=0/03$ ،  $P=0/84$ )، (خطی بودن طرحواره هیجانی با رغبت  $F=5/87$ ،  $P=0/09$ )، خطی بودن نظم‌دهی هیجانی با رغبت  $F=3/27$ ،  $P=0/06$ )، (خطی بودن سلامت خانواده اصلی با رغبت  $F=2/58$ ،  $P=0/10$ ) برای بررسی خطی بودن متغیر ملاک با متغیرهای پیش استفاده شد که هر دو فرضیه مورد تأیید قرار گرفت.

برای بررسی چگونگی رابطه ساختاری طرحواره هیجانی، نظم‌دهی هیجان، سلامت خانواده، تمایزیافتگی خود با رغبت به ازدواج از تحلیل مسیر استفاده شد. در مرحله اول داده‌های پژوهش برای بررسی توافق و سازگاری با الگوی پیشنهادی پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. در ادامه، الگوی برازش شده و شاخصهای برازش این الگو نشان داده شده است.



شکل ۲: الگوی برازش شده

جدول ۳: شاخصهای برازش مدل پس از اعمال مفروضه ثابت ماندن واریانس باقیمانده‌ها

شاخصها	$\chi^2$	RMSEA	NFI	NNFI	AGFI	GFI
	۲/۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۹۸۶	۰/۹۴۱	۰/۹۶۹	۰/۹۷۵

مهمترین آماره برازش آزمون خی دو است. این آماره میزان تفاوت ماتریس مشاهده، و برآورد شده را اندازه‌گیری می‌کند. عدم معناداری این آماره، برازش الگو را نشان می‌دهد. مقدار این آماره برابر ۲/۳۶ است. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) مقدار این شاخص ۰/۰۰۰۱ است که از ۰/۰۵ کمتر است؛ شاخص بنتلر - بونت یا شاخص نرم شده برازندگی (NFI) در الگوی برازش شده، ۰/۹۸۶ است. این مقدار از ۰/۹ بزرگتر است؛ شاخص NNFI به دست آمده در الگو ۰/۹۴ است که از مقدار سنجش (۰/۹) بزرگتر است؛ شاخص برازش الگو (GFI)، ۰/۹۷۵ است. مقدار به دست آمده از مقدار ملاک (۰/۹) بیشتر است. شاخص برازش (AGFI) معادل ۰/۹۶۹ است که از مقدار ملاک (۰/۹) بیشتر است؛ بنابراین به طور کلی شاخصهای برازش، نشاندهنده برازش الگوی نهایی است.

با استفاده از الگوی برازش شده می‌توان تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم هر یک از متغیرها را بر رغبت به ازدواج به دست آورد.

جدول ۴: تأثیرات مستقیم، غیر مستقیم و اثر کلی متغیرها

اثر کلی	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	تأثیرات متغیرها
۰/۲۵	-	۰/۲۵	طرحواره هیجانی به تمایز یافتگی خود و رغبت به ازدواج
۰/۲۴۵	۰/۰۳۵	۰/۲۱	
۰/۰۵	-	-	نظم‌دهی هیجانی به تمایز یافتگی خود و رغبت به ازدواج
-۰/۱۲	-	-۰/۱۲	
۰/۲۰	-	۰/۲۰	سلامت خانواده به تمایز یافتگی خود و رغبت به ازدواج
۰/۱۳۸	۰/۰۲۸	۰/۱۱	
۰/۱۴	-	۰/۱۴	تمایز یافتگی خود به رغبت به ازدواج

در جدول شماره ۵ تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم و اثر کلی متغیرها بر رغبت به ازدواج گزارش شده است. بر این اساس سلامت خانواده اصلی (۰/۱۱)، طرحواره هیجانی (۰/۲۱) و نظم‌دهی هیجان (-۰/۱۲) به طور مستقیم، و سلامت خانواده اصلی (۰/۰۲۸) و طرحواره هیجانی

(۰/۰۳۵) به طور غیر مستقیم از طریق تمایز یافتگی خود بر رغبت به ازدواج تأثیر دارد.

## بحث و نتیجه گیری

اهمیت ازدواج بر هیچ کس پوشیده نیست؛ اما متأسفانه در سالهای اخیر، تأخیر در ازدواج به عنوان یکی از معضلات اجتماعی مطرح شده، و موانعی سن ازدواج جوانان را با افزایش چشمگیری روبه‌رو ساخته است. شناخت موانع فردی و خانوادگی تأخیر در ازدواج می‌تواند زمینه را برای ازدواج بموقع و مناسب هموارتر کند؛ لذا هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی خود به عنوان متغیر تأثیرگذار در رابطه بین رغبت به ازدواج، سلامت خانواده اصلی، طرحواره هیجانی، نظم دهی هیجان و هم‌چنین بررسی آنها در قالب یک الگوی علی بود.

در مجموع یافته‌های تحلیل مسیر مؤید این بود که تمایز یافتگی خود نقش واسطه‌ای را بین متغیرهای پژوهش (به غیر از نظم دهی هیجان) دارد؛ به عبارت دیگر سلامت خانواده اصلی و طرحواره هیجانی با تأثیر بر تمایز یافتگی خود تغییراتی را در میزان رغبت به وجود آورد. نتایج با پژوهشهای فخاری و لطیفیان (۱۳۹۳) و جانسون، تورنگرن و اسمیت (۲۰۰۱)، شوارتز، تیگین و مونتگومری (۲۰۰۶) و هوپر و دی پوی (۲۰۱۰) در زمینه واسطه‌گری تمایز یافتگی خود همسو است. در تبیین یافته‌ها می‌توان چنین گفت که یکی از پیشایندها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری تمایز یافتگی خود، خانواده است. خانواده به عنوان نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت، اساسی‌ترین عامل در فرایند تمایز یافتگی خود است که تعاملات و سلامت خانوادگی می‌تواند مشخص کند که چقدر «خود» در فرد رشد یابد (کر و بوئن، ۱۹۸۸). خانواده‌هایی که از سلامت خوبی برخوردار هستند، میزان رشد «خود» در اعضای آن خانواده زیاد است و از سوی دیگر، تمایز یافتگی خود "توانایی شخص در حفظ فردیت و استقلال" خود "در روابط صمیمانه با دیگران و هم‌چنین بیانگر توانایی در ایجاد تعادل بین عقل و هیجان است (کر و بوئن، ۱۹۸۸) و در نتیجه رشد کافی «خود»، تمایز یافتگی فرد افزایش می‌یابد و مستقل‌تر عمل می‌کند. افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند. آنها می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی، که در بسیاری از افراد به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام منجر می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نیافته، که هویت تعریف

شده‌ای از خود ندارند و در نقشها و مسائل بین شخصی موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند، اضطراب مزمن زیادی را تجربه می‌کنند و مستعد مشکلات روانشناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند (شکیبایی، ۱۳۸۵). هم‌چنین طبق نظریه طرحواره‌های هیجانی، افراد در شیوه تجربه هیجان‌ها و مفهوم سازی آنها متفاوت هستند و بسته به باورهایی که در مورد هیجان‌ها خود دارند، روشهای متفاوتی برای اقدام انتخاب می‌کنند (پیرساقی و همکاران، ۱۳۹۴). افرادی که هیجانهای منفی زیادی دارند، میزان کم تمایز یافتگی دارند و به بروز واکنشهای شدید به موقعیتهای نسبتاً اضطراب‌زا (مانند ازدواج) یا نامطلوب تمایل دارند و از جمله افرادی هستند که بشدت انتقاد می‌کنند؛ به سرزنش خود اقدام می‌کنند و نسبت به دیگران بیش از حد حساسیت نشان می‌دهند (پیرساقی و همکاران، ۱۳۹۴). این ویژگیهای منفی در دراز مدت می‌تواند در اقدام فرد به ازدواج تأثیر داشته باشد. بنابراین سلامت خانواده اصلی و حذف یا کاهش طرحواره‌های هیجانی به افراد تمایز یافته کمک می‌کند که بر پایه رفتارهایی در قلمروی احساسی و ناخودآگاه، فکر و عمل نکنند و در مواقعی مانند تصمیم به ازدواج، کاملاً پخته عمل کنند و موقعی که زمان ازدواج رسیده است با بررسی موقعیت و عوامل لازم برای ازدواج، نسبت به آن از خود رغبت نشان دهند.

هم‌چنین براساس ضرایب برآزش الگوی رغبت به ازدواج، یافته‌ها نشان داد که سلامت خانواده اصلی هم به صورت مستقیم و هم با واسطه تمایز یافتگی خود پیش‌بینی‌کننده مثبت رغبت به ازدواج است. تأثیر غیر مستقیم سلامت خانواده اصلی بر رغبت به ازدواج در بالا تبیین شد؛ اما در زمینه تأثیر مستقیم سلامت خانواده اصلی بر رغبت به ازدواج باید گفت که چنانچه فرد از سلامت خانواده اصلی بهره‌مند شود، انتظار می‌رود که در زندگی به توقعات و نیازهای خود توجه، و به گونه‌ای همدلانه با دیگران تعامل کند یا به عبارتی دیگر، سلامت خانواده اصلی باعث می‌شود به شیوه سازنده به حل مشکل پردازد و در نهایت به صمیمیت بیشتری برسد. الگوهای ارتباطی در خانواده اصلی مانند چگونگی تعامل بین اعضای خانواده برای رسیدن به عقاید مشترک و چگونگی تصمیم‌گیری توسط اعضای خانواده بر سازگاری فرزندان در روابط آینده و موقعیت‌های دیگر، بیرون از خانواده اصلی اثرگذار است. وقتی در خانواده اصلی، زمینه‌ای هست که در آن اعضای خانواده به شرکت آزادانه در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره گستره وسیعی از موضوعات و مشکلات بدون محدودیت زمانی تشویق شوند به جهتگیری سازنده برای حل مشکلات و نیز انتخاب تصمیمات مربوط به اقدام به ازدواج دست می‌یابند. در این محیط نسبتاً آزاد، نه تنها فرزندان در معرض مسائل چالش برانگیز قرار می‌گیرند بلکه به کشف باورهای



جدید و تصمیم‌گیری بدون ترس برای حل مشکلاتشان تشویق می‌شوند. بنابراین فرزندان احساس می‌کنند مورد پذیرش خانواده هستند و در رویارویی با مشکلات و تصمیم‌گیریهای مختلف مانند ازدواج از توانایی زیادی برخوردار می‌شوند و در نهایت نسبت به ازدواج رغبت پیدا می‌کنند (فیتزپاتریک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). بنابراین، این یافته بیانگر آن است که هر چه محیط خانواده اصلی برای ایجاد ارتباطات باز و گسترده، ترغیب فرزندان برای ابراز احساسات و عقاید، توجه به عقاید و شرکت دادن آنها در تصمیم‌گیریها مهیاتر باشد به فرزندان برای رغبت به ازدواج و استقلال از خانواده اصلی و صمیمت بیشتر کمک خواهد کرد (صلاحیان، صادقی، بهرامی و شریفی، ۱۳۸۹).

یافته‌ها هم‌چنین نشان داد که طرحواره هیجانی، هم به صورت مستقیم و هم با واسطه‌گری تمایز یافتگی خود پیش‌بین رغبت به ازدواج است. در این زمینه می‌توان گفت که طبق نظریه یانگ، طرحواره‌های هیجانی ناسازگارانه، زیربنایی‌ترین سطوح شناختی است که موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شود و این سوگیریها در آسیب‌شناسی روانی میان فردی به صورت سوء تفاهمها، نگرشهای تحریف شده، گمانه زنیهای نادرست، هدف و چشم‌داشت‌های غیرواقع بینانه مشخص می‌شود (وایلنت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). بدیهی است افرادی که طرحواره‌های ناسازگارانه دارند در ازدواج خود بیشتر دچار مشکل و اختلاف می‌شوند. این نتیجه با بسیاری از پژوهشهای پیشین، که نشان می‌دهد طرحواره‌های هیجانی با بسیاری از اختلالات روانی از قبیل ناسازگاریهای زناشویی، اختلالات شخصیت و سوء مصرف الکل در ارتباط است (لیهی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱)، همسو است. هم‌چنین با پژوهش سیلور<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) که نشان می‌دهد وجود اختلاف و تعارض به خودی خود پیوند زناشویی را تهدید نمی‌کند، بلکه عواطف و هیجانات ناخوشایندی همچون یأس، رنجش و بیزاری باعث مختل شدن رابطه می‌شود، همسو است.

در نهایت ضرایب برازش الگوی رغبت به ازدواج نشان داد که نظم‌دهی هیجان فقط به صورت مستقیم بر رغبت به ازدواج تأثیر دارد. با توجه به اینکه در این زمینه پژوهشی انجام نشده این یافته غیر مستقیم با یافته‌های جهان بخشی و کلاتر کوشه (۱۳۹۱) همسو است. نظم‌دهی هیجان در سلامت روانشناختی و آسیب‌شناسی روانی نقش محوری دارد و بدکارکردی تنظیم هیجان

1 - Fitzpatrick, M. A.

2 - Vaillant, G.E.

3 - Leahy RL

4 - Silver A.

می‌تواند اتاق فرمان افکار خودایند منفی، و به طور منفی موجب سوگیری در اطلاعات شود. در واقع یکی از شرایط خاصی که فرد در زندگی با آن روبه‌رو است، تصمیم‌گیری برای ازدواج است. این تصمیم مستلزم در نظر گرفتن جوانب مختلف از جمله سازگاری با وضعیت فرد دیگر، مستقل شدن روانی و عاطفی از والدین، بر عهده گرفتن مسئولیتهای زندگی و امثال آنها است. بدیهی است افراد به دلیل اینکه از شیوه‌های نظم دهی خویش ناآگاهند دلایلی مثل ترس مبهم از ازدواج و ترس از آینده خویش دارند و تمایل چندانی در این زمینه از خود نشان نمی‌دهند.

در پایان با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مختلفی در رغبت به ازدواج نقش دارند که سلامت خانواده اصلی، تمایز یافتگی خود، طرحواره هیجانی و نظم دهی هیجان از جمله آنها است و شناخت جامع و کامل نسبت به آنها می‌تواند افراد را در سوق دادن به ازدواج بموقع یاری کند؛ لذا توجه به نتایج و کاربرست آنها در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج و مداخله‌های رشدی و درمانی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

یادآوری این نکته ضروری است که با توجه به اینکه نمونه این پژوهش فقط دانشجویان پسر بودند و هم چنین نمونه‌گیری به صورت در دسترس است، تعمیم نتایج به سایر اقشار جامعه (بویژه دختران مجرد در شرف ازدواج) باید با احتیاط صورت گیرد. در پایان پیشنهاد می‌شود که الگوی مدنظر در پژوهش با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف و نیز برخورداری از ویژگیهای زمینه فرهنگی و دینی جامعه مورد آزمون قرار گیرد و به منظور گسترش الگویی وسیعتر و کاملتر، متغیرهای دیگری در رابطه با رغبت به ازدواج سنجیده شود (از جمله می‌توان به متغیرهای شخصیتی، سبکهای هویت، سبکهای دلبستگی، و تجربه خانواده‌پدیری اشاره کرد).

#### منابع

- احمدی، مجید. (۱۳۹۱). اثربخشی درمان هیجان‌مدار بر تعهد زناشویی و تنظیم هیجان زوجین جوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی.
- اسماعیلی، لیلا؛ آقایی، اصغر؛ عابدی، محمد رضا؛ اسماعیلی، مریم (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر سلامت روان دختران مصروع. اندیشه و رفتار. ۲۰(۵): ۴۲ تا ۳۱.
- بهراری، فرشاد (۱۳۹۱). ازدواج و هنگامه‌ها. ماهنامه ماما. ۴: ۵۶ تا ۵۹.
- پیرساقی، فهیمه (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش خودتمایزسازی بر جرأت ورزی دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

- پیرساقی، فهیمه؛ نظری، علی محمد؛ نعیمی، قادر؛ شفائی، محمد (۱۳۹۴). تعارض‌های زناشویی؛ نقش سبک‌های دفاعی و طرحواره هیجانی. *روان پرستاری*. ۳(۱): ۵۹ تا ۶۹.
- ثناپی، باقر؛ علاقبند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره؛ هومن، عباس (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
- جمشیدی، مژگان؛ سروقد، سیروس (۱۳۹۴). نقش میانجی سبک‌های هویت در رابطه بین تمایز یافتگی خود و اعتیاد به اینترنت دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیردولتی. *فصلنامه روشها و مدل‌های روانشناختی*. ۶(۲۰): ۳۷ تا ۵۴.
- جهان‌بخشی، زهرا؛ کلانتر کوشه، سید محمد (۱۳۹۱). رابطه ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با رغبت به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی*. ۲(۲): ۲۳۴ تا ۲۵۴.
- حسینیان، سیمین؛ یزدی، سیده منوره؛ جاسبی، منیژه (۱۳۸۶). رابطه بین سطح سلامت خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان دبیر آموزش و پرورش شهرستان کرج. *مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی*. ۳(۱): ۶۳ تا ۷۶.
- حیدری، علیرضا؛ اقبال، فرشته (۱۳۹۰). رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دل بستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز. *یافته‌های نو در روان شناسی*. ۱۵(۱): ۱۳۴ تا ۱۱۵.
- حیدری، محمود؛ مظاهری، محمدعلی؛ پوراعتماد، حمیدرضا (۱۳۸۲). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه رغبت به ازدواج. *نسخه دانشجویی (پرساد)*. *مجله روانشناسی*. ۳۱: ۲۵۰ تا ۲۶۱.
- خانزاده، مصطفی؛ ادریسی، فروغ؛ محمد خانی، شهرام؛ سعیدیان، محسن (۱۳۹۲). بررسی ساختار عاملی و مشخصات روانسنجی مقیاس طرحواره‌های هیجانی بر روی دانشجویان. *مطالعات روانشناسی بالینی*. ۳(۱۱): ۹۱ تا ۱۲۰.
- درعلی، رویا؛ سهرابی، نادره (۱۳۹۴). نقش واسطه‌گری تعارض‌های زناشویی در رابطه بین سبک‌های تنظیم شناختی هیجانی و کیفیت روابط جنسی. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*. ۴(۲): ۳۷ تا ۴۸.
- شکیبایی، طیبه (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر آموزش خود متمایزسازی بر سلامت روان زنان پس از طلاق*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- صلاحیان، افشین؛ صادقی، مسعود؛ بهرامی، فاطمه؛ شریفی، مریم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. *مجله مطالعات روانشناختی*. ۶(۲): ۱۱۵ تا ۱۳۴.
- عارفی، مختار (۱۳۹۱). *ارزیابی مدل رضایت زناشویی*. رساله دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۰). *همبستگی بین ویژگی‌های ادراک شده خانواده اصلی و فعلی و رابطه آن با تعارض زناشویی*. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*. ۲(۶): ۳۵ تا ۶۰.

لطیفیان، مرتضی؛ فخاری، نرگس (۱۳۹۳). نقش میانجی‌گری تمایز یافتگی خود در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان. *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*. ۲۳(۸): ۶۶ تا ۸۳.

محمدی، مسعود؛ فرنام، رابرت؛ محبوبی، پریسا (۱۳۹۰). رابطه بین سبکهای دلبستگی و دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی در معلمان زن جزیره کیش. *فصلنامه زن و فرهنگ*. ۷(۲): ۲۰-۹.

مشهدی، علی؛ قاسم پور، عبدالله؛ اکبری، ابراهیم؛ ایل بیگی، رضا؛ حسن زاده، شهناز (۱۳۹۲). نقش حساسیت اضطرابی و تنظیم هیجانی در پیش‌بینی اختلال اضطراب اجتماعی دانشجویان. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. ۱۴(۲): ۸۹ تا ۹۹.

مهینی، شهرام؛ تیموری، سعید؛ رحیمی، سوسن (۱۳۹۲). مقایسه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و آمیختگی اندیشه - کنش در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی: با میانجی‌گری نقش جنسیت. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۳(۳): ۳۷۵ - ۳۵۵.

نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۳). مشاوره و ازدواج و خانواده‌درمانی. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

نیکرو، معصومه (۱۳۹۱). تأثیر مشاوره گروهی مبتنی بر بخشش بر کاهش فرسودگی زناشویی زنان مواجه با پیمان‌شکنی همسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی.

- Akers-Woody, M. (2003). Understanding the attitudes toward marriage of never married female young adult children of divorce Bowen theory. A psy. Clinical Dissertation presented to the faculty of the California school of professional psychology at Alliant international university san diego .
- Barber, B. K., & Buehler, C. (1996). Family cohesion and enmeshment: Different constructs, different effects. *Journal of Marriage and the Family*; 58: 433-441.
- Bard b.( 2004). Psychological defense mechanisms: a new perspective: Am DJ psychoanalytic;.
- Ben-Ari A, Lavee Y. Dyadic characteristics of individual attributes: Attachment, neuroticism, and their relation to marital quality and closeness. *Am J Orthopsychiatr* 2005; 75(4): 621-31.
- Cahill, S.D; Smith, C.L; Gill, K.L & Johnson MC(1998). Maternal interactive style across contexts: Relations to emotional, behavioral, and physiological regulation during toddlerhood. *Social Development* ,7:350-369.
- Chung, H. & Gale, H. (2006).Comparing Self-differentiation and psychological well-being between Korean and European American Students.*Contemporary Family Therapy*; 28(3), 367-381.
- Conger, R. D., Cui, M., Bryant, C. M., & Elder, G. H. (2000). Competence in early adult romantic relationships: A developmental perspective on family influences. *Journal of Personality and Social Psychology*; 79: 224-237.
- Esere, M. O., Yeyeodu, A., Oladun, C. (2014). Obstacles and Suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria, *journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 114: 584 – 592.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012).*Family Therapy: An Overview*. United States: Brooks/cole.
- Greene, T. R. & Noice, H. (1988). Influence of Positive Affect Upon Creative Thinking and Problem Solving in Children. *Psychological Reports*, 63: 895-98.

- Gross, J.J (1998). The emerging field of emotion regulation: An interview. *Review of General Psychology*, 2 : 271-299.
- Hooper, L. M. & DePuy, V. (2010). Community Sample Mediating and Moderating Effects of Differentiation of Self on Depression Symptomatology in a Rural Community Sample. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 18(4), 358-368.
- Johnson, P. & Buboltz Jr, W. C. (2000). Differentiation of self and psychological reactance. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 22(1), 91.
- Johnson, P. Thorngren, J. M. & Smith, A, J. (2001). Parental Divorce and Family Functioning: Effects on Differentiation Levels of Young Adults. *The Family Journal*, 9(3), 265-272.
- Jozefik, B., & Wojciech, P. M. (2010). Perception of autonomy and intimacy in families of origin of patients with eating disorders with depressed patients and healthy controls. Transgenerational perspective –Part I. *Archives of Psychiatry and Psychotherapy*, 4: 69–77.
- Kerr, M. E. & Bowen, M. (1988). *Family evaluation*. New York: Norton
- Leahy RL(2001). Emotional schemas in cognitive therapy. annual meeting of the Association for Advancement of Behavior Therapy; Philadelphia, PA2001.
- Maser, M. J. (2011). A Construct Validity of Differentiation of Self Measures & their Correlates. PhD Dissertation, Seton Hall University.
- Maynard, S. (1997). Growing up in an alcoholic family system: The effect on anxiety and differentiation of self. *Journal of Substance Abuse*, 9, 161-170.
- Miller, J. D. & Lynam, D.(2001). Structural models of personality and their relation to antisocial behavior: A Meta-Analytic review. *Criminology*; 39(4): 765- 795.
- Mohsen Zadeh, F., Nazari, A., & Arefi, M. (2010). Father's family Experiences and perceptions of hostile marital conflicts. *Counseling research*, 1 (38): 7-24.
- Muraru, A. A., & Turliuc, M. M. (2012). Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 33: 90-94.
- Nazare, B., Fonseca, A., Gameiro, S., & Canavarro, M. C. (2011). Amniocentesis due to advanced maternal age: The role of marital intimacy in couples' decision-making process. *Contemporary Family Therapy*, 33:128–142.
- Palfai, T.P., & Salovey, P. (1993). The influence of depressed and elated mood on deductive and inductive reasoning. *Imagination, Cognition, and Personality*, 13, 57- 71.
- Schwartz, J. P. Thigpen, S. E. Montgomery, J. K. (2006). Examination of emotional processing parenting styles and differentiation of self. *The Family Journal*, 14, 41-48. .
- Seung, L. H., & Wha, O. S. (2002). Family of Origin Influences on Anxiety, Open Communication, and Relationship Satisfaction. *Journal of Korean Home Economics Association English Edition*, 3( 1): 111-126.
- Silver A(2012). *The secret of staying in love*. used with permission from communications; Niles, Illinois2012.
- Skowron E. A. & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood. *Journal of Contemporary family therapy* , 26(3), 337-357.
- Skowron, E. A. Wester, S. R. & Azen, R. (2004). Differentiation of self mediates college stress and adjustment. *Journal of Counseling & Development*, 82(1), 69-78.
- Skowron, E., & Friedlander, M. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 28, 235-246.
- Skowron, E.A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229-237.
- Thompson, R. A. (1994). "Emotional regulation: a theme in search for definition". In N. A. Fox, *The Development of Emotion Regulation: Behavioral and Biological Considerations*. Monographs of the Society for Research in Child Development, 59, 25-52.
- Tobby, J. & Cosmides, L(1990). The past explains the present: Emotional adaptations and the structure of ancestral environments. *Ethology and Sociobiology*.11(4-5): 375-424.

- Vaillant, G. E. (2000). Adaptation mental mechanisms: their role in a positive psychology. *American Psychologists* 55:89-98.
- Vimz, B. & pina, w. (2010). The assessment of emotion regulation: Improving construct validity in research on psychopathology in Youth. *Journal of psychological Behaviour assessment*, 10(1):169-178.
- Wallerstein, J. & Blakeslee, S. (1989). *Second chance men, women and children after divorce*. New York: Tichnor & Fields.
- Weiss, J. M. (2014). *Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages*. MA Dissertation. Utah State University. 72.
- Williamson, I. Sandage, S. J. & Lee, R. M. (2007). How social connectedness affects guilt and shame: Mediation by hope and differentiation of self. *Personality & Individual differences*, 43(8), 2159-2170.
- Zaidi, A. U., & Shuraydi, M. S. (2002). Perceptions of arranged marriages by young Pakistani Muslim women living in a western society. *Journal of Comparative Family Studies*, 33 (4), 495-514.

